دولت اسلامی افغانستان
وزارت تعلیم و تربیه



مرکز تعلیمی افغانستان
مدیریت نصاب

عقاید

برای صنف هشتم

مؤلف : مولوی غلام عیسی


لا اله الا الله محمد رسول الله

عقاید شریف

برای صنف هشتم

مؤلف : مولوی غلام عیسی

بسم الله الرحمن الرحيم

بِسۡمِ اللهِ الرَّحۡمٰنِ الرَّحِيۡمُ

رَبِّ زِدۡنِیۡ عِلۡمًا

قَالَ صَلَّی اللهُ عَلَیۡهِ وَسَلَّمَ :

فرموده است حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم

رَضِیۡتُ

راضی هستم

بِاللهِ رَبًّا وَّ

که الله پروردگار ما است و

بِالۡاِسۡلَامِ دِیۡنًا وَّ

اسلام دین ما است و

بِمُحَمَّدٍ نَّبِیًّا وَّ رَسُوۡلًا

محمد صلی الله علیه وسلم نبی و رسول ما است

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي خلق الانسان وجعله اكرم الخلائق بالعلم و الكرم وجعل امة محمد «ص» خير الامم و امرهم بالدعوة و الارشاد و الجهاد المعظم و الصلوة و السلام على سيد الانبياء و معلم البشر و على اله و اصحابه اجمعين.

اما بعد :

از بدو آغاز جهاد مقدس اسلامی در کشور، استادان، علماء و دانشمندان ما توجه جدی خویش را در ساحات مختلف رشد فرهنگ اسلامی، تحقق اهداف علمی شاگردان معارف و استفاده از مزایای علم و دانش مبذول داشته و با تیر ترتیب با وصف شرایط ضیق، و وضع ناگوار مهاجرت با ثبات رسانیدند که ملت غیور و قهرمان افغانستان توانسته است مبارزه شمشیر و قلم هر دو را پهلوی هم در طول یازده سال گذشته ادامه دهند.

مرکز تعلیمی افغانستان که پرسونل و کارکنان آنرا اشخاص ورزیده و لایق تنظیمهای محترم مختلف جهادی تشکیل میدهد بنوبهٔ خود کوشیده است تا پروگرام درسی مدارس داخل کشور را با معیارهای علمی و شرایط کنونی عیار نموده کتب درسی مرحلهٔ ابتدائیه و محتویات آنرا با استفاده از میتود های قبول شده تعلیمی تهیه و بمعرض تطبیق قرار دهند. واکنون که بفضل خداوند متعال تهیه و طبع کتب درسی مرحلهٔ ابتدائیه به اتمام رسیده و بیاری خداوند بزرگ مرحلهٔ متوسط و ثانوی را آغاز مینماید، باز هم وظیفهٔ علمی خود را در تهیهٔ -

یک پروگرام تعلیمی بهتر که با سائر موازین علمی و اساسات تعلیمی تطابق داشته باشد فراموش نموده کما فی السابق در تهیه و تدوین کتب درسی با استفاده از پروگرام های تعلیمی سائر تنظیمهای جهادی سعی بلیغ بخرج داده است.

مرکز تعلیمی افغانستان وظیفهٔ خود میداند تا از استادان دانشمند و سائر کارکنان محترم مدیریت نصاب تعلیمی که در بوجود آوردن یک نصاب تعلیمی اسلامی موحد، و مطابق با موازین علمی از هیچگونه ایثار و فداکاری دریغ نورزیده اند ابراز امتنان و تشکر نموده موفقیت مزید شانرا درراه خدمت به علم و معارف کشور آرزو مینماید.

امیدواریم نسل جوان و آینده کشور در نتیجهٔ راهنمائی های خردمندانه و عالمانهٔ استادان فاضل مدارس کشور از آن استفادهٔ اعظمی نموده، تا برای افغانستان نوین که یک افغانستان اسلامی آزاد، آباد و پیشرفته خواهد بود عضو مفید ببار آیند.

ومن الله التوفیق

مرکز تعلیمی افغانستان

فهرست

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العلمين والصلوة والسلام على رسوله محمد وآله وصحبه اجمعين .

اما بعد : وما ارسلنا من قبلك من رسول إلا نوحي إليه أنه لا إله إلا أنا فاعبدون ه (١)

ونه فرستاده ایم پیش از تو هیچ پیغمبری مگر وحی می فرستادیم بسوی او که نیست هیچ معبود برحق غیر من پس پرستش کنید مرا .

---

(١) سورة الأنبياء ، آية (٢٥).

تعریف، موضوع و غرض علم عقاید

تعریف علم عقاید : علم عقاید علمی است که در آن از عقاید حقهٔ اسلامی با دلایل یقینی موافق شرع شریف بحث کرده میشود . (۱)

موضوع علم عقاید : موضوع علم عقاید ذات و صفات الله (ج) و آنچه مربوط به ذات و صفات او تعالی است ، میباشد .

غرض علم عقاید : غرض علم عقاید صحت عقیدهٔ اسلامی است که به آن سعادت دنیا و آخرت حاصل میگردد .

ایمان به الله جل جلاله

فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا ۚ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (۲)

---

(۱) ابوالمنتهی ص ۳ حاشیهٔ ۵ . (۲) سورهٔ التغابن آیهٔ ۸ .

ترجمه:

پس ایمان آرید به الله و رسول او و به آن نوری که فرو فرستاده ایم و خدا به آنچه می کنید خبردار است.

اولین چیزیکه انسان بآن مکلف است ایمان داشتن به ذات وصفات الله (ج) میباشد. یعنی اینکه به دل یقین و باور کند و بزبان اقرار، که خدا (ج)، موجود است، واحد است، شریک و مانند ندارد. بر هر چیز قادر است لایق عبادت و بندگی تنها همین ذات است بجز وی سزاوار بندگی کسی نیست. تمام کائنات ومخلوقات را او تعالیٰ خلق کرده و مالک همهٔ ایشان است. تمام ذیروح را او روزی میدهد وخودش بخوردن، نوشیدن وخواب کردن احتیاج ندارد. نی او را پدر است، نی پسر، نی دختر و نی زن. تمام مخلوقات محتاج او تعالیٰ هستند و خداوند تعالیٰ به کسی محتاج نیست و نه به چیزی احتیاج دارد، به تمام صفات کمال موصوف است و از تمام عیوب و نواقص پاک و مبرا است.

الله (ج) ، برای رهنمائی مردم حضرت محمد صلی الله علیه وسلم را پیغمبر فرستاده است تا ایشان را به ایمان وعبادت خداوند یگانه دعوت نماید .

وجود الله جل جلاله .

أَفِي اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ [1] .

ترجمه : آیا در "وجود" خدا شبه است ، آفریننده آسمانها و زمین .

در بارهٔ وجود الله (ج) ، از اعرابی در بادیه سوال شد که بچه شناسی وبچه دانی که عالم را صانعی هست؟ اعرابی در آن صحرا نظر کرد پس بدید بعرهای شتر را افگنده ونشان قدم رونده ، گفت : اَلْبَعْرَةُ تَدُلُّ عَلَى الْبَعِيرِ وَآثَارُ الْقَدَمِ تَدُلُّ عَلَى الْمَسِيرِ فَهَيْكَلُ الْعُلْوِيُّ بِهَذِهِ اللَّطَافَةِ وَهَيْكَلُ السُّفْلِيُّ بِهَذِهِ الْكَثَافَةِ ، اَلَا يَدُلَّانِ عَلَى الصَّانِعِ الْخَبِيرِ ؟

---

(۱) سورة ابراهیم ، آیهٔ (۱۰) .

(۱) یعنی پشقل شتر دلالت می کند بر شتر ، نشان های قدم دلالت میکند بر رونده ، پس آیا آسمان بلند با این لطافت و زیبائی و زمین پایان با این تیرگی دلالت نمی کند بر صانع (آفریننده) خبردارید؟ بلکه دلالت می کند بر وجود ذات خدای خبیر که صانع اینهمه کائنات است .

الله تعالی واحد است شریک ندارد

قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ ۝ اَللّٰهُ الصَّمَدُ ۝ لَمْ یَلِدْ وَلَمْ یُولَدْ ۝ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ کُفُوًا اَحَدٌ ۝

ترجمه : بگو خدا یگانه است . خدا بی نیاز است . نه زاد کسی را و نه زاده شده از کسی و نیست او را همتا هیچ یکی .

الله تعالی (ج) واحد (یکی) است نه از روی عدد ، زیرا که خداوند (ج) نه معدود است و نه متعدد ، بلکه یکی است بمعنی اینکه در ذات و صفات خود شریک و نظیر و مثل ندارد .

واحد به دو معنی ذکر میشود : ۱ - واحد به معنی آنکه از آن عدد

---

(۱) از کتاب عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات .

شروع میشود و دو نصف میباشد .

۲ - واحد به معنی آنکه شریک ، نظیر ، مثل ندارد و یگانه است . و در اینجا مراد معنی دوم است چنانچه گفته شده ، پس الله تعالی (ج) ذات یگانه ایست که ذات پاک وی بهیچ نوع تعدد و شرکت را قبول نمی کند و هیچکس با ذات وی مماثل و شبیه نیست .

خداوند (ج) ، ذاتی است که همه مخلوقات باو محتاج و نیازمند اند . و او را بکسی نیاز نیست . وی ذاتی است که شریک ندارد و از تمام عیوب و نواقص پاک و منزه است . نه کسی اولاد اوست و نه وی اولاد کسیست .

پس نصاری که عیسی (ع) ، را ، و یهود که عُزَیر (ع) ، را فرزندان خدا (ج) می گویند ، و مشرکین عرب که فرشتگان را دختران خدا (ج) ، میخوانند همه کذب بوده حقیقت ندارد .

تمرین

۱ - تعریف و موضوع علم عقاید را بیان کنید .

۲ - غرض علم عقاید را بیان نمائید .

۳ - اولین چیزیکه انسان مکلف است بر آن ایمان داشته باشد عبارت از چیست ؟

٤ - درباره وجود الله (ج)، آیتی را که خوانده اید قرائت و ترجمه نمائید .

۵ - درباره وجود الله (ج)، قصه اعرابی را بیان کنید .

٦ - واحد چند معنی دارد و خداوند (ج)، بکدام معنی واحد است ؟

ایمان به ملائکه

مؤمن به دوم که انسان برآن مکلف است ایمان به ملائکه وفرشتگان میباشد باید انسان عقیده داشته باشد که در مخلوقات خداوند تعالی یکنوع مخلوقیست که آنرا ملائکه میگویند .

تعریف ملائیک : ملائک اجسام نورانی ولطیفی اند که بأشکال مختلفه متشکل شده میتوانند واز نظر ما غائب بوده به ذکورت و أنوثت ، متصف نمیشوند .

ملائکه وفرشتگان از بندگان نیک خدا (ج) ، اند که هرگز نافرمانی امر خداوند تعالی را نمی کنند و در اجرای احکام خداوندی هیچ نوع سستی وخستگی نداشته ، از امتثال اوامر خداوند (ج) عاجز نیستند . چنانچه خداوند (ج) فرموده است :

بَل عِبادٌ مُکرَمُوْنَ لایسبقونه بالقول وَهُم بِأَمرِهِ ——

یَعْمَلُونَ ۝ (۱)

ترجمه: لیکن بندگانند معزز پیشدستی نمی کنند بر خدا به هیچ سخن، و ایشان به فرمان وی کار می کنند بعضی فرشتگان پیغام خداوند را به پیغمبران (ع) می آرند و بعضی به تدبیر و تنظیم نظام های جسمانی و روحانی ماموراند.

مشرکین ملائکه را دختران خداوند (ج) می دانند، چنانچه خداوند متعال در قرآن کریم از آن خبر داده و آنرا رد نموده است:

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُم مَّا يَشْتَهُونَ ۝ (۲)

ترجمه: و مقرر می کنند برای خدا دختران را، پاک است او، و مقرر میکنند برای خویش آنچه رغبت می نمایند.

خداوند (ج)، از نسبت ولد، پسر باشد یا دختر، بری و پاک است. تعجب است که مشرکین به او تعالی نسبت داشتن دختران را میکنند

---

(۱) سورهٔ الأنبیا آیت های (۲۶، ۲۷)

(۲) سورهٔ النحل آیه (۵۷)

وحال آنکه برای خود داشتن دختر را عار میدانند .

تمرین

۱ - ملائکه را تعریف کنید .

۲ - آیت های را که در بارهٔ ملائکه خوانده اید قرائت و ترجمه نمائید .

ایمان به کتابهای الله (ج)

وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلِكَ ۝ (۱)

ترجمه : ومؤمنان ایمان می آرند به آنچه فرود آورده شده بسوی تو و آنچه فرود آورده شده پیش از تو .

سوم چیزیکه انسان مکلف است بآن ایمان داشته باشد کتاب های الله (ج) اند . ما باید ایمان وعقیده راسخ داشته باشیم براینکه تمام کتب آسمانی که از طرف خداوند متعال برای رهنمائی بندگان نازل گردیده همه کلام خداوند تعالی بوده وراست میباشند .

درکتب آسمانی راه های سعادت دینوی واخروی بیان گردیده است

---

(۱) سورة النساء آیه (۱۶۲)

که بندگان مطابق آن عمل نموده تا به پیروزی و سعادت دارین نایل گردند .

کتاب های خداوند ج ، بطریق وحی بر انبیاء علیهم السلام ـ نازل گردیده اند. چنانچه الله جل جلاله فرموده است :

إِنَّآ أَوْحَيْنَآ إِلَيْكَ كَمَآ أَوْحَيْنَآ إِلَىٰ نُوحٍ وَٱلنَّبِيِّـۧنَ مِنۢ بَعْدِهِۦ (۱)

ترجمه: ما وحی فرستادیم بسوی تو چنانچه وحی فرستادیم بسوی نوح و پیغمبرانیکه بعد از وی بودند .

وحی : وحی در شرع کلام و پیغام خداج، است که بر نبی خود نازل می کند ، چنانچه الله ج ، بر انبیاء سابقه و بر حضرت محمد (ص) وحی نازل کرده است پس کسیکه وحی سابقه را پذیرفته باید وحی بر

---

(۱) سورة النساء آیه (۱٦۳)

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم را نیز قبول کند. و هرکه این وحی را نمی پذیرد گویا از وحی سابقه انکار می نماید . وحی گاهی بواسطهٔ فرشته بصورت پیغام و گاهی بطور کتاب نوشته و گاهی بدون واسطه فرشته نازل میگردد .

چون تمام کتب نازل شده بر انبیاء (ع) وحی است پس ایمان آوردن به همه آن ها فرض است. و این سخن یهود (که گفتند: وقتی بتو ایمان می آوریم که مانند تورات دفعتاً کتابی را از آسمان برای ما بیاری) کمال بی ایمانی و حماقت است . وحی از جانب خدا ج ، است که نزول آن بصورت های مختلفه تحقق یافته، پس انکار از آن کفر صریح است .

تمرین

۱ - برای اثبات لزوم ایمان به کتاب های خداوند(ج)، یک آیت را بخوانید و ترجمه نمائید .

۲ - کتاب های خداوند(ج)، چطور بر انبیاء علیهم السلام نازل گردیده اند ؟

۳ - وحی را تعریف نمائید .

ایمان به پیغمبران علیهم السّلام

وَالَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ أُولَٰئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أُجُورَهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ (۱)

ترجمه: وکسانیکه ایمان دارند به خدا و پیغمبرانش و تفرقه نکرده اند میان هیچ یک از ایشان این گروه زود می دهد ایشان را خدا ثواب شان را و هست خدا آمرزگار مهربان .

چهارم چیزیکه انسان بران مکلف است ایمان داشتن بر پیغمبران علیهم السلام است . ما باید ایمان و عقیدهٔ راسخ داشته باشیم

---

(۱) سورة النساء آیه (۱۵۲)

که الله تبارک وتعالی در هر عصر و زمان برای هدایت و رهنمائی
بشر از جملهٔ خود ایشان پیغمبران علیهم السلام را فرستاده است. اولین
پیغمبر حضرت آدم علیه السلام و آخرین ایشان حضرت محمد صلی الله وسلم است.
تمام پیغمبرانیکه از حضرت آدم علیه السلام تا آنحضرت خاتم النبیین مبعوث
گردیده اند، به هر تعدادیکه باشند همه حق هستند.

تعداد انبیاء علیهم السلام بطور محقق و یقین معلوم نیست. امّا در بعضی[1]
احادیث تعداد ایشان یک لک و بیست و چهار هزار ذکر شده است.

تمام پیغمبران احکام و اوامر خداوند (ج) را موافق هدایت و رهنمائی
خداوند (ج) بدون تغییر به اُمتهای خویش رسانیده اند. همهٔ ایشان
به صداقت و امانت داری موصوف هستند. از کذب، خیانت و
تمام معاصی قبل از نبوت و بعد از نبوت پاک و معصوم اند. خداوند

---

(۱) شرح العقاید النسفیه صفحه ۱۰۱

تعالی پیغمبران را مسلسل موافق حکمت خویش فرستاده که مؤمنان را مژده دهند و کافران را بترسانند تا مردم را در روز قیامت عذری نماند و گفته نتوانند که ای خداج، ما اسباب رضا و قهر ترا نمیدانستیم ورنه قدمی برخلاف رضای تو نمی رفتیم. پس وقتیکه خداوند تعالی پیغمبران را با معجزات فرستاده و پیغمبران دین حق را به مردم تبلیغ کردند دیگر در عدم قبول دین حق برای هیچ کس عذری باقی نمی ماند.

ایمان و عقیده کردن به تمام پیغمبران علیهم السلام بدون کدام فرق لازم و ضروری است، وکسانیکه در ایمان آوردن در بین پیغمبران علیهم السلام فرق می کنند، مانند یهود و نصاری که به بعضی پیغمبران علیهم السلام ایمان دارند و به بعضی ایشان ایمان ندارند کافر هستند و برای آنها عذاب خداوند ج، ثابت است.

کسانیکه در ایمان آوردن در بین پیغمبران علیهم السلام فرق نکرده اند بلکه به خداج، و همه پیغمبران وی ایمان آوردند خداج،

برحمت خویش ثواب عظیم بایشان عطا می کند .

باید واضح گردد که عدم فرق بین پیغمبران(ع) در ایمان آوردن ونفس رسالت است، امّا در مرتبه بعضی ایشان بر بعضی دیگر فضیلت دارند، چنانچه الله (ج) ، فرموده است :

تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ ۘ مِّنْهُم مَّن كَلَّمَ اللَّهُ ۖ وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ ۚ[1]

ترجمه: این پیغمبران فضیلت دادیم بعضی ایشان را بر بعضی ، از ایشان کسی است که با وی سخن گفت خدا (ج) ، وبلند کرد بعضی ایشانرا در مرتبه ها. مانند حضرت خاتم النبین محمد[2] صلی الله علیه وسلم که اورا خداوند به مرتبه ها بلند ساخته و به تمام مردم فرستاده وپیغمبری اورا به انس وجن عام واورا سردار وامام انبیاء گردانیده و با دین وی همه ادیان را منسوخ کرده است.

---

(۱) سورهٔ بقره آیه (۲۵۳)

(۲) جلالین ص ۳۹ ، حاشیه (۱۰)

تمرین

۱ - برای اثبات لزوم ایمان به پیغمبران علیهم السلام یک آیت را بخوانید و ترجمه نمائید .

۲ - در باره پیغمبران علیهم السلام باید چه قسم ایمان و عقیده داشته باشیم ؟

۳ - حکم کسانیکه در ایمان بین پیغمبران فرق می کنند چیست ؟

ایمان به روز آخرت

وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ[1]

ترجمه: و آنکه قیامت آمدنی است نیست هیچ شبه در آن و آنکه خدا برانگیزد آنانرا که در قبوراند.

پنجم: چیزیکه انسان مکلف است بآن ایمان و عقیده داشته باشد روز آخرت است که آنرا روز قیامت نیز میگویند.

ما باید ایمان و عقیده داشته باشیم براینکه روز قیامت آمدنی است و بعد از زندگی دنیا حیات دیگری آمدنی است زیرا که این نظام بزرگ مخلوقات لغو و بیکار نمیتواند شد.

آیا تصور کرده میشود که حکیم و قادر مطلق باحکمت بالغه و قدرت کاملهٔ خود انسان را باین همه صفات عجیب و غریبی که به او ارزانی

---

(۱) سورهٔ الحج، آیه ۷.

داشته عبث آفریده باشد ؟ هرگز نی . یقیناً این زندگی محدود
انسان که در آن سعادت و شقاوت، نیکی و بدی ، رنج و راحت،
همه موجودند و بعضی انسانها بر بعضی دیگر ظلم می نمایند، و واضح است
که در اکثر اوقات انتقام مظلوم از ظالم گرفته نمیشود و اگر احیاناً گرفته هم
شود البته بطور مکمل نخواهد بود ، پس باید یکروز و یک زندگی دیگر هم
باشد تا در آنجا سعید و شقی ، مجرم و بی گناه از هم جدا و هر یک به
مکافات و مجازات اعمال خوب و بد خویش رسیده و انتقام مظلوم
از ظالم بطور کامل گرفته شود، و آن روز عبادت است از روزگار
آخرت، که در آن روز از تجلی و نور بلاکیف حق تعالی زمین محشر درخشان
گردیده ، دفتر محاسبه باز و نامه های اعمال مردم پیش آنها گذاشته
میشود، انبیاء (ع) و گواهان دیگر به دربار او تعالی حاضر گردیده شاهدی
می دهند و در مورد هر شخص به کمال انصاف فیصله صحیح و درست صادر
گردیده بر هیچکس هیچ نوع تعدی و ظلم کرده نمیشود .

تمرین

۱ - برای اثبات روز آخرت یک آیت را بخوانید و ترجمه نمائید .

۲ - ما باید بروز قیامت چه قسم ایمان داشته باشیم تشریح نمائید .

۳ - در روز آخرت درباره ظالم و مظلوم ، سعید و شقی چگونه فیصله بعمل می آید ؟

ایمان به قضا و قدر

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَٰهُ بِقَدَرٍ ۝ سورة القمر آیه (۴۹)

ترجمه : هر آئینه ما هر چیز را پیدا کردیم پیشتر اندازه کرده شده .

مثنوی [۱]

چون قضا بیرون کند از چرخ سر عاقلان گردند جمله کور و کر

حکم تقدیرش چو آید بی وقوف عقل چه بود در قمر افتد خسوف

* * *

ششم چیز یکه انسان مکلف است بر آن ایمان داشته باشد قضا و قدر است که هر دو از صفات ازلی بلا کیف خدا (ج)، و از متشابهات[۲] اند، در شرع شریف انسان با ایمان از بسیار بحث و مباحثه در آنها نهی شده است .

---

(۱) از مثنوی مولانای بلخی رومی

(۲) ابو المنتهی ص ۲۸

ما باید ایمان و عقیدهٔ راسخ داشته باشیم براینکه هر چیزیکه در دنیا بوجود آمده و یا خواهد آمد و تمام اعمال و کارهای نیک و بد بنده گان حتی ایمان و کفر ایشان به قضا و قدر خداوند تعالی اینگی است که الله تعالی به همهٔ آنها از روز ازل علم کامل دارد و در لوح محفوظ، بصفت اخبار نه بصفت حکم ثبت است و بموافق علم ازلی خداوند به ظهور می آیند .

قضا : قضا درلغت به معنی تمام کردن شیئ است و در اصطلاح عبارت از فعل است که دارای قوت و محکمی زیاد بوده و برای هیچ کس تغیر آن ممکن نباشد .

قدر : درلغت به معنی اندازه کردن است و در اصطلاح تحدید و اندازهٔ ازلی خداوند تعالی است . تمام مخلوقات را با تمام کم و کیف آن از حسن و قبح ، نفع و ضرر و غیره که به آن موجود میشوند.

بعضی علمای اهل سنت می گویند : که قضا و قدر در شریعت عبارت

اند از ثبت علم ازلی خداوند (ج)، در لوح محفوظ. باید دانست که اهل سنت ایمان دارند به قضا و قدر الله (ج)، و قائل اند باینکه خیر و شر، نفع و ضرر همه به قضا و قدر خداوند (ج) است و بنده گان در افعال خود مختار اند لذا ثواب داده میشود ایشانرا به طاعت و عذاب داده میشود ایشانرا بر معصیت. بنا بر دلیل فوق الذکر عقیدهٔ جبریه که میگویند: بنده را هیچ قدرت و اختیار نیست بلکه وی مانند جماد بی اراده است که برفعل خیر وی ثواب و برفعل شر وی عقاب مرتب نمیگردد، باطل است. وهمچنین نصوص قطعی نفی این مذهب را مینماید چنانچه الله (ج)، فرموده است:

جَزَآءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝[1]

ترجمه: پاداش داده میشوند برحسب آنچه می کردند. وقوله تعالی

---

(۱) سورهٔ الاحقاف آیهٔ ۱٤.

فَمَنْ شَآءَ فَلْيُؤْمِنْ وَّمَنْ شَآءَ فَلْيَكْفُرْ ۚ (۱)

ترجمه: پس هر که خواهد ایمان آرد و هر که خواهد کافر شود.

پس ثابت شد که بنده هر عملی را که می کند در اجرای آن برایش اختیار است.

و یا به عبارت دیگر: در عمل بنده فاعل و کاسب فعل است و پیدا کننده فعل الله تعالی میباشد. فعل بنده را به اعتبار نسبت آن به قدرت حق تعالی خلق و ایجاد، و به اعتبار نسبت آن به قدرت بنده کسب و اکتساب می گویند و جمیع افعال و اعمال بنده گان مانند حرکت، سکون، کفر، ایمان، طاعت عصیان همه در حقیقت کسب ایشان و مخلوق خداوند تعالی اند. قضا و قدر خداوند تعالی قدرت و اختیار بنده را سلب نمی نماید

---

(۱) سوره الکهف آیه ۲۹

زیرا خداوند تعالی اشیا را در لوح محفوظ بطریق حکم نی بلکه بطریق اخبار ثبت کرده است . مثلاً نوشته کرده که زید باختیار خود مؤمن و عمر باختیار خود کافر می باشد .

بخاطر وضاحت این موضوع می گوئیم اگر ما از پروگرام کار یکروزهٔ یک شخص قبلا خبر داشته باشیم و آنرا در دفتر یاد داشت خویش ثبت نمائیم ، آیا اطلاع قبلی و ثبت آن در دفتر ما بر آن شخص کدام جبر را وارد می نماید ؟ طبعاً نه .

تمرین

١ - قضا و قدر را تعریف نمائید .

٢ - قضا و قدر از کدام قسم صفات خداوند ج ، میباشند ؟

٣ - ما باید در بارهٔ قضا و قدر چه قسم عقیده داشته باشیم ؟

٤ - دلیل بطلان عقیدهٔ جبریه را بیان نمائید .

٥ - فعل بنده را نسبت بقدرت حق تعالی چه می نامند ؟

٦ - فعل بنده را نسبت به قدرت بنده چه می گویند ؟

صفات الله (ج)

صفات الله (ج) بر دو قسم اند :

صفات ذاتی و صفات فعلی . این دو قسم صفات در صنوف قبلی تشریح گردیده اند، همچنین در صفات الله (ج)، یک تقسیم دیگر هم وجود دارد که آنرا صفات ثبوتی و سلبی می گویند و قرار ذیل تشریح میگردد:

۱ ــ صفات ثبوتیهٔ الله تعالی

صفات ثبوتیه الله (ج)، صفاتی اند که ثبوت آنها برای الله (ج) ضروری است . مانند حیات ، قدرت ، علم ، کلام ، سمع بصر ، اراده وغیره، که همهٔ ایشان برای الله تعالی ثابت بوده ازلی وقدیم اند، واین صفات را صفات کمالیه نیز می گویند زیرا

که این صفات برای کمال ذات او تعالی ضروری اند .

۱ ـ حیات[1] : حیات صفت ازلی خداوند (ج)، است که صحت علم را (برای موصوف خود) واجب مینماید .

۲ ـ قدرت : قدرت صفت ازلی خداوند (ج)، است که حین تعلق به مقدورات در آنها تاثیر می کند .

۳ ـ علم : علم صفت ازلی خداوند (ج)، است که حین تعلق به معلومات برای موصوف خود معلومات را کشف می نماید .

٤ ـ کلام : کلام صفت ازلی خداوند (ج)، است که به ذات او تعالی قائم بوده و نظمیکه مسمی به قرآن و مرکب از حروف است کلام لفظی بوده که دال بر کلام نفسی او تعالی میباشد .

۵ ـ سمع : سمع صفت ازلی خداوند (ج)، است که تعلق میگیرد به مسموعات و او تعالی به این صفت قدیم خود تمام مسموعات را میشنود .

---

(۱) شرح عقاید نسفیه ص ۴۲

۶ - بصر : بصر صفت ازلی خداوند (ج) ، است که تعلق میگیرد به مبصرات و او تعالی باین صفت قدیم خود تمام اشکال و رنگها را می بیند .

۷ - اراده : اراده صفت ازلی خداوند (ج) ، است که او تعالی باین صفت قدیم خود یکی از مقدورین (فعل و ترک) را بوقوع در یکی از اوقات ترجیح میدهد . تمام صفاتیکه قبلاً تشریح شد ثبوت آنها برای خداوند تعالی ضروری و سلب آن ها از خداوند (ج) محال است .

تمرین

۱ - صفات ثبوتیه الله جل جلاله را تعریف نمائید .

۲ - صفات ثبوتیه را چرا صفات کمالیه میگویند ؟

۳ - حیات را تعریف نمائید .

۴ - اراده را تعریف کنید .

۲- صفات سلبیهٔ الله تعالی

صفات سلبیه الله (ج)، صفاتی اند که ثبوت آنها برای خداوند تعالی محال و سلب آنها ضروری است، خداوند (ج) ازین قسم صفات پاک و مبری است.

مثلاً خداوند (ج)، از جهت، مکان، جسم، جوهر و عرض پاک و منزه است.

۱- خداوند (ج)، از تمام جهات مانند فوق، تحت، طرف راست، طرف چپ وغیره منزه است.

۲- برای خداوند (ج)، وجود مکان محال است. زیرا که اگر برای خداوند (ج)، جهت و مکان باشد پس باید جهت و مکان وی قدیم باشند و قدیم بدون ذات واجب تعالی نیست، و همچنین متمکن به مکان احتیاج

دارد و احتیاج منافی ذات واجب الوجود است .

پس ثابت شد که خدا (ج) از جهت و مکان پاک و منزه است.

۳ - خداوند (ج) جسم نیست ، زیرا اگر خداوند تعالی دارای جسم باشد باید مکان داشته باشد و خداوند (ج) از مکان پاک است.
و همچنین جسم تقسیم را قبول می نماید و هر آنچه تقسیم را قبول می نماید حادث است و او تعالی از حدوث پاک و منزه است .

٤ - خداوند تعالی جوهر[1] نیست زیراکه جوهر محل عوارض و حوادث است و او تعالی از آن پاک است .

۵ - عرض : خداوند تعالی عرض نیست زیراکه عرض در وجود به غیر محتاج است و او تعالی از احتیاج پاک است .

---

(۱) ابو المنتهی ص ۲۰ .

تمرین

۱ - صفات سلبیه الله (ج) را تعریف نمائید .

۲ - خداوند (ج)، چرا از جهت و مکان پاک و منزه است؟

۳ - خداوند (ج)، چرا جسم نیست ؟

٤ - خداوند (ج)، چرا جوهر و عرض نیست ؟

تمام اسماء و صفات

الله (ج)

ازلی و ابدی اند

تمام اسماء[1] و صفات الله (ج)، ازلی و ابدی اند که آنها اول و آخر نیست. زیرا اگر برای الله (ج)، کدام صفت جدید ثابت شود و یا از او تعالی کدام صفت زائل گردد، درین صورت (عیاذاً بالله) خداوند تعالی قبل از حدوث این صفت و یا بعد از زوال آن ناقص بوده، و این محال است، زیرا که خداوند (ج)، از عیوب و نواقص

---

(۱) ابوالمنتهی ص ۱۵، ۱۶

پاک و مبری است. پس ثابت گردید که برای الله (ج)، کدام اسم
وصفت جدید ثابت نمیشود بلکه الله (ج)، با تمام اسماء وصفات خود
قدیم، ازلی و ابدی است.

الله (ج) فاعل مختار است

لَا يُسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْئَلُونَ ○

ترجمه: پرسیده نمیشود" خداوند "از آنچه می کند و ایشان باز
خواست میشوند.

الله (ج)، فاعل مختار است. هرچه اراده نماید آنرا می کند، قدرت
واراده او تعالی را احدی باز داشته نمیتواند، زیرا که وی مالک
حقیقی، معبود برحق و صاحب قوت و قدرت است، مالکیکه
در ملک خود هر قسم تصرف نماید هیچ اعتراض بروی وارد نمی گردد.

آری تنها ذات کبریائی حق دارد که بندگان را مؤاخذه نماید واز ایشان بازخواست کند . چنانچه الله (ج) ، درسورهٔ المائده فرموده است :

یَوۡمَ یَجۡمَعُ اللّٰهُ الرُّسُلَ فَیَقُوۡلُ مَاذَآ اُجِبۡتُمۡ ؕ قَالُوۡا لَا عِلۡمَ لَنَا ؕ اِنَّكَ اَنۡتَ عَلَّامُ الۡغُیُوۡبِ [1] ۝

ترجمه : یادکن آن روزیکه جمع کند خدا پیغمبران را پس بگوید : چه جواب داده شده بود شمارا؟ گویند: هیچ خبری نیست مارا هرآئینه توئی بسیار دانا بر امور پنهانی » این سوال درمحشر درمحضر تمام اُمَم از پیغمبران کرده میشود .

---

(1) سورهٔ المائدة آیة (109)

الله تعالی شئ است نه مانند اشیاء[1]

لَیْسَ کَمِثْلِهٖ شَیْءٌ ج وَهُوَ السَّمِیْعُ الْبَصِیْرُ ۝ سورۂ شوریٰ آیه (۱۱)

ترجمه: نیست مانند او (خدا ج) چیزی و اوست شنوا بینا.

الله (ج) شئ است نه مانند اشیاء و شئ نزد اهل سنت[2] بمعنی موجود است پس خداوند (ج) وجود دارد بذات و صفات خود، مگر او تعالی از مشابهت و مماثلت مخلوق بکلی پاک و منزه است. یعنی نه در ذات چیزی مانند اوست و نه در صفات، زیرا که او تعالی

---

(۱) قُلْ اَیُّ شَیْءٍ اَکْبَرُ شَهَادَةً ط قُلِ اللّٰهُ شَهِیْدٌ بَیْنِیْ وَبَیْنَکُمْ قف سورۂ الانعام آیه ۱۹

ترجمه: بگو (چه چیز بزرگتر است در باب شهادت) کیست از همه بزرگتر گواه. بگو خداست. وی اظهار کننده حق است میان من و میان شما.

(۲) النبراس صفحه ۵۷۷.

واجب الوجود است که وجود وی ضروری و عدم وی محال است
و دیگر اشیاء ممکن الوجود اند، که وجود و عدم آنها با هم مساوی و
برابر میباشد، (از وجود و عدم آن محال لازم نمیشود) .

خداوند تعالی بدون شک و شبهه هر چیز را می بیند و می شنود
مگر دیدن و شنیدن او تعالی مانند دیدن و شنیدن مخلوق نیست .

همه صفات کمال برای او تعالی (ج) ثابت است، امّا هیچ کس کیفیت
آنرا درک کرده نمیتواند .

تمرین

۱ - چرا تمام اسماء وصفات الله تعالی ازلی و ابدی اند ؟

۲ - از کدام آیت معلوم میشود که خداوند تعالی فاعل مختار است ؟

۳ - الله (ج) در روز جمع آوری از انبیاء چه می پرسد ؟

٤ - بکدام دلیل الله (ج) شئ است نه مانند اشیاء معلومات خود را بیان کنید .

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم

بهترین بنده و رسول الله (ج) است

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْٓ اَنْزَلَ عَلٰی عَبْدِهِ الْکِتٰبَ وَلَمْ یَجْعَلْ لَّهٗ عِوَجًا ۝[1]

ترجمه : همه ستایش آن خدای راست که فرو فرستاده بر بنده خود کتاب را و پیدا نکرده دروی هیچ کجی .

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم بهترین بنده و رسول الله (ج) است که خداوند جل جلاله بروی کتاب مقدس (قرآنکریم) را نازل و بدین وسیله مؤمنان را به بزرگترین نعمت مشرف و ممتاز نمود. آنحضرت

---

(۱) سورة الکهف آیة (۱) .

صلی الله علیه وسلم را بر تمام أنبیاء فضیلت داد چنانچه در قرآن کریم ،

فرمود :

وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا رَحۡمَةٗ لِّلۡعَٰلَمِينَ ٥

ترجمه : ونه فرستادیم ترا مگر رحمت برای عالمیان .[1] چون آنحضرت صلی الله علیه وسلم رحمت برای تمام عالمیان خوانده شده ثابت گردید که وی افضل وبهترین همهٔ ایشان میباشد .

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم بنده خدا (ج) است ، چنانچه الله (ج) در آیت مذکور و دیگر آیت ها وی را عبد (بنده) خویش گفته است . به نزد اهل معرفت عبودیت (بندگی) از شریف ترین صفت ها و از اعلی مراتب به شمار میرود و دوستان خداوند به آن فخر می نمایند . ابو سلیمان[2] قاسم انصاری (رح) فرموده است :

---

(۱) النبراس صفحه ٤٤٥ حاشیه ۲ .

(۲) ابو المنتهی صفحه ٥۲ وتفسیر روح المعانی سوره بنی اسرائیل .

وقتیکه حضرت محمد صلی الله علیه وسلم در شب معراج بدرجات عالیه و مراتب رفیعه رسید، خداوند (ج) به وی وحی نمود و فرمود: یا محمد! به کدام چیز ترا شرافت و عزت بدهم؟ رسول خدا صلی الله علیه وسلم گفت: یا ربّ! به بندگی خود، پس نازل کرد خدا جل جلاله:

سُبْحَانَ الَّذِیٓ اَسْرٰی بِعَبْدِهٖ لَیْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اِلَی الْمَسْجِدِ الْاَقْصَا الَّذِیْ بٰرَکْنَا حَوْلَهٗ لِنُرِیَهٗ مِنْ اٰیٰتِنَا ؕ.

ترجمه:
پاک است آنکه برد بندهٔ خود را شبی از مسجد حرام بسوی مسجد اقصا که برکت نهادیم گرداگرد آن تا نشان دهیم او را از نشانهای خود، و حضرت رسول کریم صلی الله علیه وسلم فرموده است[1]:

---

(۱) لا تطروني كما اطرئ عيسى بن مريم عليه السلام وقولوا عبده ورسوله. كذا في المشارق.
ابو المنتهى ص ۵۳.

تجاوز نه کنید در حق من چنانچه تجاوز کرده شده در حق عیسی (ع)، و بگوئید در حق من که وی بنده و رسول خدا (ج) است.

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم رسول الله است. دلیل برآن این قول خداوند جل جلاله است: مُحَمَّدٌ رَّسُولُ اللهِ[1]

ترجمه: محمد رسول خداست همچنین در قرآن کریم به آنحضرت صلی الله علیه وسلم نبی هم گفته شده است، چنانچه الله (ج) فرموده است:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ[2]

ای پیغامبر ترغیب کن مؤمنان را بر جنگ.

از حضرت جابر (رض) روایت است که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده است: من قائد رسولانم و نیست فخر و من خاتم النبیین ام

---

(۱) سورةُ الفتح آیه ۲۹.
(۲) سورة انفال - آیه ۶۵

ونیست فخر و من نخستین شفاعت کننده و شفاعت قبول کرده
شده ام ونیست فخر .

تمرین

۱ - حضرت محمد (ص) بکدام دلیل بهترین همه عالمیان است ؟
۲ - یک آیت را که حضرت محمد صلی الله علیه وسلم در آن عبد گفته شده
شده است بخوانید وترجمه نمائید .
۳ - ابو سلیمان قاسم انصاری (رح) در باره معراج چه فرموده است ؟
٤ - یک آیت را که آنحضرت صلی الله علیه وسلم در آن نبی گفته شده
است بیان نمائید .

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم

خاتم النبیین است

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ اَبَآ اَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلٰكِن رَّسُولَ اللهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ ۝

ترجمه: نیست محمد پدر هیچ یک از مردان شما ولکن پیغمبر خدا است و مهر تمام پیغمبران است. (بعد از وی هیچ پیغمبری نمی‌باشد)

حضرت محمد صلی الله علیه وسلم خاتم النبیین (مهر و آخر) پیغمبران است که بعد از بعثت وی بر سلسلهٔ انبیاء علیهم السلام مهر اختتام زده شده و بعد از آن هیچ کس به پیغمبری مبعوث نمی‌گردد.

از حضرت علی بن ابی طالب (رض) روایت است که

وی در صفت آنحضرت (ص) فرموده است : بین کتفیه خاتم النبوة و هو خاتم النبیین (در بین هر دو شانهٔ آنحضرت (ص) مهر نبوت و او صلی الله علیه وسلم خاتم النبیین است).

پس آنحضرت (ص) خاتم الانبیاء بوده و نبوت او تا روز قیامت دوام دارد. همچنین رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرموده است[1] :

اَنَا العَاقِبُ وَالْعَاقِبُ الَّذِیْ لَیْسَ بَعْدَهُ نَبِیٌّ (من آخر پیغمبران هستم و آخر پیغمبران کسیست که بعد از وی پیغمبر نیست) و حضرت مسیح (ع) که به نزول وی در زمان آخر وعده داده شده به حیث یک امتی آنحضرت (ص) خواهد بود. در حدیث است که «اگر موسیٰ (ع) زنده میبود و در می یافت نبوت مرا هر آئینه پیروی می کرد مرا». دین محمدی (ص) (دین اسلام) نزد خداوند (ج)

---

(۱) متفق علیه ـ مشکوة ، صفحه ۵۱۵ .

مقبول بوده و بعد از آمدن آن ادیان دیگر را منسوخ نمود. چنانچه الله (ج) فرموده است:

وَمَن يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَن يُقْبَلَ مِنْهُ ۝

ترجمه: (و هر که طلب کند بجز اسلام دین دیگر را، پس هرگز قبول نمیشود از وی). چون دین مقدس اسلام کاملترین ادیان میباشد پس هیچ دین غیر از اسلام به نزد خداوند (ج) مقبول نیست. چه بعد از طلوع خورشید جهانتاب چراغ سفالین را برافروختن، یا فروغ ستاره و لمعهٔ برق را جستن امری است بس بیهوده و دور از دانش زیرا دورهٔ هدایت پیغمبران سابق سپری شده واکنون دور هدایت و نبوت آخرین و عالمگیر محمد (ص) است که گنجینهٔ انوار الهی (ج) میباشد و تمام روشنی ها از آن گرفته شده است. پس هر که از ختم نبوت انکار نماید قطعاً و یقیناً کافر و از دین اسلام خارج است.

تمرین

۱ - آیت ختم نبوت را بخوانید و ترجمه نمائید .

۲ - حضرت علی (رض) در صفت آنحضرت (ص) چه فرموده اند ؟

۳ - حضرت محمد (ص) در باره حضرت موسی (ع) چه فرموده اند ؟

٤ - آیا به نزد خدا (ج) بعد از بعثت آنحضرت (ص) کدام دین دیگر غیر از اسلام مقبول است ؟

۵ - اگر کسی از ختم نبوت انکار مینماید چه حکم دارد ؟

قرآنکریم (کتاب الله ج) از تحریف محفوظ است

قرآنکریم کتاب الله (ج) ، بوده هیچگونه بطلان در آن راه نداشته و تا روز قیامت از تحریف مصئون و محفوظ میباشد ، چنانچه الله (ج) فرموده است :

وَاِنَّهٗ لَكِتٰبٌ عَزِيْزٌ ۝ لَّا يَاْتِيْهِ الْبَاطِلُ مِنْۢ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهٖ ؕ تَنْزِيْلٌ مِّنْ حَكِيْمٍ حَمِيْدٍ ۝[1]

---

(۱) سورهٔ حم السجده ، آیت هاے ۴۱ ، ۴۲ .

ترجمه : به تحقیق این (قرآنکریم) کتابی است گرامی (عزیز القدر) نمی آید بآن باطل از پیش روی آن و نه از عقب آن. فرستاده شده است از حکیم ستوده . همچنین خداوند (ج) فرموده است :

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ۝ [1]

ترجمه: هر " آئینه " ما فرو فرستادیم قرآن را و " هرآئینه " ما آنرا نگهبانیم).

اقوام وسلطنت ها نتوانسته و نه خواهند توانست که یک حرف ویا نقطهٔ از قرآنکریم را کم ویا زیاد کنند . قرآنکریم به چنان لطافت وطرز حیرت انگیزی تکمیل یافته است که چون اکابر متعصب ومخالفین مغرور آنرا بشنوند سر تسلیم فرود آورند .

---

(1) سورهٔ الحجر آیهٔ ۹

« میور[1] » مینویسد (تا جائیکه معلومات داریم در سرتاسر جهان کتابی چون قرآن نیست که تا دوازده قرن از هر نوع تحریف پاک باشد .

از تاریخ واضح می گردد که در هر عصر جم غفیری از علمای کرام (که تعداد آن ها نقط به خدا ج ، معلوم است) دائماً به حفاظت علوم و مطالب قرآن پرداخته اند خطاطان رسم الخط آنرا ، قاریان طرز ادای آنرا و حُفّاظ کلمات و عبارات آنرا چنان حفاظت کرد ند که از هنگام نزول قرآن تا امروز یک حرکت (کسره ، فتحه و یا ضمه) آن نیز تبدیل نشده است .

---

(۱) تفسیر کابلی ، در تفسیر آیهٔ (۹) سورهٔ الحجرات .

تمرین

۱ - آیت هائیرا که در بارهٔ محفوظ بودن قرآن بیاد دارید بخوانید و ترجمه نمائید .

۲ - مبور در بارهٔ قرآنکریم چه گفته است ؟

۳ - حفاظ در حفاظت قرآنکریم چه خدمت کرده اند ؟

فضیلت صحابه کرام

رضی الله تعالی عنهم

وَالسّٰبِقُوْنَ الْاَوَّلُوْنَ مِنَ الْمُهٰجِرِیْنَ وَالْاَنْصَارِ وَالَّذِیْنَ اتَّبَعُوْهُمْ بِاِحْسَانٍ رَّضِیَ اللّٰهُ عَنْهُمْ وَرَضُوْا عَنْهُ[1]

ترجمه : وسبقت کننده گان (بسوی نیکی) پیشینیان از مهاجرین وانصار وآنانیکه پیروی کردند ایشان را به نیکی، راضی شد الله از ایشان وراضی شدند ایشان از او .

صحابی : صحابی آن شخص را میگویند که آنحضرت صلی الله علیه وسلم

---

(۱) سورهٔ التوبه، آیهٔ (۱۰۰) .

را در حالت ایمان دیده و با ایمان وفات یافته باشد .

صحبت آنحضرت صلی الله علیه وسلم چیزیست بسیار بزرگ، ورتبهٔ اصحاب کرام دراین امت از همه مسلمانان بلندتر است ، کسیکه بقدر یک لمحه به صحبت رسول خدا مفتخر شده باشد، بزرگترین شخص بعد از صحابه (رض) با او در مرتبه برابر شده نمیتواند . در بین صحابهٔ کرام مقام خلفای اربعه (رض) از همه افضل و بهتر میباشد و ترتیب افضلیت در میان خلفای راشدین به ترتیب خلافت ایشان است یعنی ، افضل و بهترین این امت بعد از پیغمبر صلی الله علیه وسلم حضرت ابوبکر صدیق (رض) است ، پس از او حضرت عمر (رض) پس از او حضرت عثمان (رض) ، پس از او حضرت علی (رض) است .

ابو منصور بغدادی که از اکابر و پیشوایان مذهب امام شافعی (رح) است می گوید : اهل سنت والجماعت اجماع کرده اند بر اینکه افضلیت صحابه (رض) به ترتیب ذیل میباشد :

۱ - حضرت ابوبکر (رض)

۲ - حضرت عمر (رض)

۳ - حضرت عثمان (رض)

٤ - حضرت علی (رض)

۵ - باقی عشرهٔ مبشره (رض)

٦ - باقی اهل بدر (رض)

۷ - باقی اهل أحد (رض)

۸ - باقی اهل بیعت الرضوان

۹ - باقی صحابه رضوان الله علیهم اجمعین .

عشرهٔ مبشره : آن ده تن از اصحاب کرام اند که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم ایشان را در یک حدیث مبارک خویش به جنت بشارت داده است .

آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده است[1] : ابوبکر در جنت است ، عمر در جنت است ، عثمان در جنت است ، علی در جنت است ، طلحه در جنت است ، زبیر در جنت است ، عبدالرحمن بن عوف در جنت است ، سعد بن ابی وقاص در جنت است سعید بن زید در جنت است و ابوعبیده بن جراح در جنت است .

عدهٔ از اصحاب کرام (رض) بنام مهاجرین و عدهٔ بنام انصار یاد میشوند .

مهاجرین آن اصحاب گفته میشوند که وطن های خود را بخاطر رضای خدا و رسولش ترک گفته اند .

انصار آن اصحاب گفته میشوند که اهل مدینه منوره بودند و به آنحضرت صلی الله علیه وسلم و مهاجرین در مدینه منوره جای داده اند،

---

(۱) ترمذی ص ۲۱۵ جلد دوم .

و با مالها و نفسهای خود با ایشان نصرت و مدد نمودند . خداوند (ج)

در باره مهاجرین و انصار فرموده است :

رَضِيَ اللهُ عَنهُم وَرَضُوا عَنهُ

ترجمه: راضی شد الله از ایشان و راضی شدند ایشان از او تعالی.

آنحضرت صلی الله علیه وسلم در بارۀ پیروی از اصحاب کرام فرموده است :

اَصحَابِی کَالنُّجُومِ فَبِأَيِّهِم اِقتَدَیتُم اِهتَدَیتُم .

اصحاب من مانند ستاره گان اند، پس از هر یکی از ایشان که پیروی کردید راه راست را یافتید .

امام اعظم (رح) در فقه اکبر فرموده اند :

وَلَا نَذكُر اَحَدًا مِّن اصحاب رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَسَلَّمَ اِلَّا بِالخَيرِ .

و یاد نمی کنیم هیچ کسی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه وسلم را مگر

به خیر و نیکوئی) پس به عقیدهٔ اهل سنت و جماعت باید با تمام صحابهٔ رضوان الله علیهم اجمعین محبت و دوستی داشته باشیم و همه ایشان را به خوبی و نیکوئی یاد نمائیم و هیچ فرد ایشان را بد نگوئیم . و اگر کسی صحابه (رض) را دشنام داد یا بدگوئی می کرد و ما آنرا شنیدیم باید در جواب آن بگوئیم :

لَعْنَةُ اللهِ علی شَرِّکُمْ

(لعنت خدا باشد بر شر شما) . چنانچه حدیث پیغمبر (ص) است :

إِذَا رَأَيْتُمُ الَّذِيْنَ يَسُبُّوْنَ اَصْحَابِىْ فَقُوْلُوْا لَعْنَةُ اللهِ عَلٰى شَرِّكُمْ

(وقتیکه دیدید کسانی را که دشنام میزنند اصحاب من را پس بگوئید لعنت خدا باشد بر شر شما) . رواه ترمذی .

تمرین

۱ - برای اثبات فضیلت اصحاب کرام یک آیت را بخوانید و ترجمه نمائید .

۲ - صحابی را تعریف کنید .

۳ - در بین اصحاب کرام (رض) کدام صحابی از همه افضل و بهتر است ؟

٤ - عشره مبشره (رض) را نام بگیرید .

٥ - مهاجرین و انصار را تعریف نمائید .

٦ - اگر کسی صحابه را دشنام بدهد ما در جواب چه بگوئیم ؟

فضیلت ابوبکر صدیق رض

اِلَّا تَنۡصُرُوۡهُ فَقَدۡ نَصَرَهُ اللّٰهُ اِذۡ اَخۡرَجَهُ الَّذِيۡنَ كَفَرُوۡا

ثَانِيَ اثۡنَيۡنِ اِذۡ هُمَا فِى الۡغَارِ . سورة التوبه آیه (۴۰)

ترجمه : اگر مدد نکنید او را (رسول «ص») را، به تحقیق نصرت داده او را الله

هنگامیکه بیرون کشید او را آنانیکه کافر بودند در حالیکه دوم تن از دو بود

آنگاه که این دو کس در غار بودند .

اسم ابوبکر صدیق[1] قبل از اسلام عبدالکعبه بود و بعد از اسلام آنحضرت

صلی الله علیه وسلم نامش را عبدالله نهاد و به لقب صدیق و عتیق او را ملقب

---

(۱) النبراس ص ۴۸۵ .

کرد . حضرت ابوبکر صدیق (رض) بعد از تمام پیغمبران علیهم السلام بهترین مردم است . حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرموده اند که [1] :

(آفتاب بعد از انبیاء و مرسلین (ع) بر هیچ فردی که از ابوبکر صدیق بهتر باشد طلوع و غروب نکرده است). همچنین پیغمبر صلی الله علیه وسلم در حدیث دیگر فرموده است :

(مَا صَبَّ اللهُ فِی صَدْرِی شَیْئًا اِلَّا صَبَبْتُهُ فِی صَدْرِ اَبِی بَکْرٍ) (۲)

یعنی نه انداخته است خداج ، در سینه من چیزی را مگر انداخته ام آنرا در سینهٔ ابوبکر (رض) ، که مراد از آن علوم و معارف است .

همچنین حضرت عمر فاروق (رض) فرموده است : (ابوبکر (رض)

---

(۱) ابو المنتهی ص ۵۷ .

(۲) الحاوی للفتاوی تصنیف جلال الدین سیوطی (رح) ص ۲٤۲ .

سردار[1] و بهتر ما و به نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم محبوب تر ما است.
همچنین از ابو هریره (رض) روایت است که آنحضرت صلی الله علیه و سلم فرموده اند[2]: ابوبکر و عمر بهتر از اولین و آخرین و بهتر از اهل آسمانها و زمین ها اند بعد از أنبیاء و مرسلین (ع). و همچنین وقتیکه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به امر خداوند (ج) از مکه معظمه به مدینه منوره هجرت مینمودند حضرت ابوبکر صدیق[3] (رض) با وی همراه بود و در غار ثور مسکن گزیدند. این غار چند میل دور از مکه معظمه در کمر کوه بلندی که راه دشوار داشت وجز به خزیدن کسی در آن داخل شده نمیتوانست قرار داشت. نخست ابوبکر صدیق (رض) داخل غار

---

(١) مشکوة شریف ص ٥٥٥ .

(٢) النبراس ص ٤٤٨ .

(٣) از تفسیر کابلی در تفسیر آیهٔ مذکور .

گردیده سوراخ های آنرا با پارچه های جامهٔ خویش بند نمود تا حضرت
رسول اکرم صلی الله علیه وسلم از ضرر گزندگان مأمون باشد، مگر
یک سوراخ باقی ماند که بر آن پای خود را گذاشت، بعداً آنحضرت صلی الله
علیه وسلم را بدرون غار دعوت نمودند. پیغمبر (ص) سرش را بر
زانوی حضرت ابوبکر صدیق (رض) گذاشت وآرام کرد. دربین اثنا
ماری پای حضرت ابوبکر صدیق (رض) را گزید، امّا وی (رض) نجنبید
تا آرامش پیغمبر (ص) را مختل نسازد. وقتیکه حضرت پیغمبر (ص)
آگاه گردید از لعاب دهن مبارک شان بر محل گزیدگی نثار کرد
که درحال درد رفع وشفا حاصل شد.

رسول خدا (ص)، سه روز را در غار ثور با حضرت ابوبکر (رض) گذراندند:
وآنگاه قصد مدینه کرد وبسلامت به آنجا رسیدند. قرآنکریم [1]

---

(1) از کتاب سیرت خلفاء راشدین تألیف علامه فاروقی لکهنوی (رح)، ترجمه محمد یوسف حسین پور.

ذکر حضرت ابوبکر صدیق (رض) را درین سفر هجرت با اعزاز خاص بیان نموده است ونیز حضرت رسولکریم (ص) این خدمت اورا بار بار یاد آوری مینمودند، چنانچه فرموده اند :

حَمَلَنِیْ اِلیٰ دَارِ الْهِجْرَةِ (یعنی ابوبکر مرا بر شتر سوار کرد به مدینه منوره رسانید) . درمیان صحابه کرام (رض) شهرت جانثاری و فدا کاری صدیق (رض) زیاد بود ، مردم احوال این سفر را از حضرت صدیق (رض) دریافت می کردند و در سخنرانی که آنحضرت صلی الله علیه وسلم پنج روز قبل از وفات ایراد فرمودند ، چنین آمده است که : هرکسی بر ما هر نوع احسان کرده مکافات وعوض اورا ادا نموده ایم مگر حضرت ابوبکر صدیق (رض) ، که خداوند (ج) عوض خدمات اورا در روز قیامت خواهد داد .

حضرت عمر (رض) در عهد خلافت خود می فرمودند که : اگر حضرت ابوبکر (رض) فقط خدمت یک شب غار و یا قتال مرتدین را به من داده و تمام اعمال

عمر مرا بگیرد باز هم مفاد من زیادتر خواهد بود .

تمرین

۱ - اسم حضرت ابوبکر (رض) قبل از اسلام و بعد از اسلام چه بود بیان نمائید .

۲ - بهترین مردم بعد از پیغمبران علیهم السلام کیست ؟

۳ - برای اثبات فضیلت ابوبکر صدیق (رض) یک حدیث شریف را بیان نمائید .

٤ - قصه غار ثور را بیان کنید .

۵ - قرآنکریم ذکر حضرت ابوبکر صدیق (رض) را در سفر هجرت چطور بیان نموده است ؟

فضیلت حضرت عمر فاروق (رض)

اسم مبارکش عمر و لقبش فاروق و کنیتش ابو حفص[1] میباشد . در نسب با آنحضرت (ص) در کعب بن لوی وصل می گردد . بهترین مردم بعد از پیغمبران علیهم السلام پس از حضرت ابوبکر (رض) ، حضرت عمر (رض) است .

از حضرت ابوسعید خدری (رض) روایت شده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند :

نیست هیچ پیغمبر مگر اینکه برای او دو وزیر از اهل آسمان و دو وزیر از اهل زمین اند .

---

(۱) در لغت به معنی اسد (شیر) مرقات شرح مشکوه ص ۳۹ .

پس دو وزیر من از اهل آسمان جبرئیل و میکائیل (ع) و دو وزیر من از اهل زمین ابوبکر و عمر (رض) میباشند.

همچنین[1] روایت شده که یک منافق با یک یهودی خصومت و نزاع داشت. یهودی میخواست خصومت شانرا حضرت پیغمبر (ص) فیصله نماید و منافق، چون بناحق دعوی کرده بود، می خواست موضوع را کعب بن اشرف که سردار یهود بود فیصله کند. اخیراً هردو حضرت پیغمبر (ص) را حکم تعین نمودند حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم بعد از علم آوری به نفع یهودی فیصله نمود منافق باین فیصله قانع نشده خواست دعوی ایشانرا حضرت عمر (رض) فیصله کند، زیرا تصور میکرد که حضرت عمر (رض) بنا بر دعوی اسلامش وی را بر یهودی مقدم خواهد داشت، پس هر دو بخدمت حضرت عمر (رض)، که در آنوقت به امر پیغمبر صلی الله علیه وسلم

---

(۱) ابوالمنتهی، تفسیر کابلی والنبراس.

در مدینه منوره به فیصلهٔ منازعات بین مردم می پرداخت آمدند ، حضرت عمر (رض) صورت دعوی را شنید، یهودی گفت این دعوی را که به حضور پیغمبر صلی الله علیه وسلم تقدیم کردیم او به نفع من فیصله نمود ولی این شخص به آن راضی نگردیده و نزد شما آمد . حضرت عمر (رض) گفت آیا چنین است ؟ گفت : بلی . عمر (رض) فرمود : تا بر آمدن من از خانه اینجا باشید . همین بود که لحظهٔ بعد حضرت عمر (رض) شمشیر را گرفته بر آمد و گردن منافق را زده سرش را از تن جدا کرد و گفت : این فیصلهٔ من است برای کسیکه فیصلهٔ خداوند (ج) ورسول (ص) را قبول نکند . پس جبرئیل گفت حضرت عمر (رض) فرق حق و باطل را نمود و از آن روز به لقب فاروق نائل گردید .

همچنین پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرموده است[1] : هر آئینه خداوند حق را بر زبان وقلب عمر قایم نموده است .

---

(۱) مشکوة شریف ص ۵۵۷ .

در حدیث دیگر پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرموده[1] است که : اگر بعد از من پیغمبری مبعوث می شد هر آئینه آن عمر بن الخطاب میبود . از حضرت علی (رض) روایت است که او فرموده[2] است بهترین مردم بعد از نبی علیه السلام ابوبکر است پس از او عمر و پس از او مرد دیگر (عثمان (رض)) میباشد .

---

(۱) مشکوة شریف ص ۵۵۸ .

(۲) بخاری شریف .

تمرین

۱ - اسم ولقب حضرت عمر (رض) را بگوئید .

۲ - بهترین مردم بعد از پیغمبران علیهم السلام و بعد از حضرت ابوبکر (رض) کیست ؟

۳ - قصه نزاع منافق ویهودی را بیان کنید .

٤ - برای اثبات فضیلت عمر (رض) ، یک حدیث شریف را بیان کنید .

بعضی علامات روز

قیامت

فَهَلۡ یَنۡظُرُوۡنَ اِلَّا السَّاعَةَ اَنۡ تَاۡتِیَهُمۡ بَغۡتَةً ۚ فَقَدۡ جَآءَ اَشۡرَاطُهَا ۚ فَاَنّٰی لَهُمۡ اِذَا جَآءَتۡهُمۡ ذِکۡرٰىهُمۡ ۝ [1]

ترجمه: پس انتظار نمیبرند مگر قیامت را که بیاید بایشان ناگهان پس هر آئینه آمده است علامات آن پس کجا باشد برای ایشان پند گرفتن ایشان چون بیاید بایشان قیامت .

تفسیر کابلی ذکر نموده که حضرت شاه صاحب (رح) مینویسد :

---

(۱) در تفسیر آیهٔ ۱۸ سورهٔ محمد .

علامهٔ بزرگ قیامت بعثت نبی ما است همه انبیاء انتظار بعثت خاتم النبیین را داشتند .

حضرت حذیفه بن اسید الغفاری فرموده است[1] که : تشریف آورد پیغمبر صلی الله علیه وسلم، در حالیکه ما بین خود مباحثه داشتیم آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند :

در بارهٔ چه موضوع مباحثه داشتید ؟ گفتیم در بارهٔ قیامت. حضرت پیغمبر صلی الله علیه وسلم فرمودند : قیامت قائم نمیگردد تا قبل از آن ده علامات را ببینید که عبارت اند از : ۱- دخان (دود) ۲- ظهور دجال ۳ دابة الأرض ٤- طلوع آفتاب از جانب مغرب ۵- نزول حضرت عیسیٰ بن مریم علیه السلام ٦- برآمدن یأجوج مأجوج ۷ وسه خسوف که یکی در

---

(۱) مشکوة شریف ص ٤۷۲ ، والنبراس ص ۵۸۸ .

مشرق ۸- دوم در مغرب ۹- وسوم در جزیرة العرب تحقق می یابد، وعلامه دهم آتشی است که از یمن بیرون اید ومردم را بسوی محشر براند.

این حدیث را مسلم شریف روایت کرده است..

تمرین

۱ - برای اثبات علامات قیامت یک آیت را بخوانید وترجمه نمائید.

۲ - آخرین علامهٔ قیامت را نام بگیرید.

۳ - علامات قیامت را که در حدیث شریف خوانده اید بیان کنید.

اجتهاد

وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ اِذْ يَحْكُمَانِ فِى الْحَرْثِ اِذْ نَفَشَتْ فِيْهِ غَنَمُ الْقَوْمِ ج وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِيْنَ ه فَفَهَّمْنٰهَا سُلَيْمٰنَ ج. سورة الانبياء آية (۷۸، ۷۹)

ترجمه :

(یاد کن) داؤد و سلیمان را چون حکم می کردند در (نزاع) کشت چون چرید در آن رمۀ قومی و بودیم بر فیصلۀ ایشان حاضر (آگاه) پس فهماندیم طریق فیصله کردن خصومت را به سلیمان. ما ایمان و عقیده داریم که مشروعیت اجتهاد به قرآن و حدیث ثابت است و مجتهدین اسلام برای دین و مسلمانها خدمات فراموش ناشدنی کرده اند، ما به

همه ایشان احترام ومحبت داریم و برای ایشان از بارگاه خداوند اجر عظیم میخواهیم .

تعریف اجتهاد : اجتهاد در لغت[1] به معنی صرف کردن وسع وطاقت است در طلب مقصود . ودر اصطلاح شرع عبارت است از آنکه : فقیه قوای فکری ونظری خویش را بحد نهائی در استخراج حکم شرعی بکار اندازد .

شروط عمدهٔ اجتهاد عبارت اند از :

۱ - مجتهد باید به علوم قرآنکریم با معانی لغوی وشرعی واقسام کلام الله مهارت وعلمیت کامل داشته کم از کم معرفت پنجصد آیت احکام را حاصل نموده باشد .

---

(۱) استفاده از النبراس ص ۵۸۹ حاشیه ۳ . نور الأنوار ص ۲۴۱ حاشیه ۵ واصول شاشی ص ۸۱ حاشیه ۷ .

۲ - دارای زهد و تقوی کامل باشد .

۳ - در علم حدیث (پیغمبر صلی الله علیه وسلم) باقسام و متون آن کاملاً عالم و وارد باشد واقلاً با سه هزار احادیث نبوی صلی الله علیه وسلم که به احکام تعلق دارد معرفت داشته باشد .

٤ - به طرق استنباط واستخراج احکام از قرآن وحدیث مهارت وعلمیت داشته باشد .

۵ - قیاس را با اقسام وشرائط آن بشناسد واز مسائلیکه در آن اجماع صورت گرفته باشد باخبر باشد .

٦ - بر علم لغت ، صرف ونحو کاملاً تسلط داشته باشد .

حکم اجتهاد : حکم اجتهاد یافتن حکم شرعی است به اعتبار گمان غالب (وقتیکه مجتهد در مسئله اجتهاد کرد و حکم آنرا استنباط

نمود، پس گمان غالب این است که وی به حق رسیده است.

به نزد علمای اهل سنت مجتهد بعضی اوقات در اجتهاد خویش مصیب (به حق میرسد) وبعضی اوقات مخطی میباشد. هرگاه مجتهدین در مسئلهٔ اختلاف نموده باشند حق به نزد خداوند (ج)، در آن یک حکم معین میباشد، که بصورت یقینی به ما معلوم نبوده، عمل بر آن نظر به گمان غالب در چوکات یکی از مذاهب چارگانه صورت میگیرد. وحق در بین مذاهب چارگانه دائر میباشد.

ازین جهت[1] ما به حقانیت مذاهب اربعه (حنفی، شافعی مالکی وحنبلی) عقیدهٔ واقرار مینمائیم. برای مجتهد در صورتیکه مصیب باشد دو اجر و در صورتیکه مخطی باشد یک اجر است، چنانچه آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرموده اند: هرگاه حاکم بمقصد حکم کردن اجتهاد

---

(۱) نور الانوار ص ۲٤٦.

نماید و در آن مصیب گردد، اورا دو اجراست (اجر اجتهاد وأجر رسیدن به حق) و درصورتیکه در اجتهاد خود مخطی باشد مستحق یک اجر یعنی اجر اجتهاد میباشد.[1]

تمرین

۱ - اجتهاد را تعریف نمائید .

۲ - شرط رسیدن شخص بدرجۀ اجتهاد چیست ؟

۳ - حکم اجتهاد را بگوئید .

٤ - در مورد اجر مجتهد مصیب و مخطئ معلومات دهید .

---

(۱) مشکوة شریف ص ۳۲٤ .

امامان و مجتهدین مشهور

يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ ۝ سورة الاسراء آیه (۷۱)

ترجمه :

روزیکه بخوانیم هر فرقه را با پیشوای ایشان . یعنی هر کس در روز قیامت[1] با چیزی محشور می گردد که در دنیا به پیروی و متابعت آن میپرداخت. مثلاً مؤمنان با انبیاء ، کتاب ها و رهبران دینی ، و کفار با رهزنان خود که عبارت از شیاطین و معبودان باطل ایشان اند حشر

---

(۱) تفسیر کابلی در تفسیر ایهٔ (۷۱) سوره الاسراء .

میشوند .

امامان مجتهدین مشهور عبارت اند از :

امام اعظم ابوحنیفه (رح) ، امام مالک (رح) امام شافعی (رح) ، وامام احمدبن حنبل (رح) که بزرگواران وپیشوایان مذاهب اربعه هستند و به اجماع امت محمد صلی الله علیه وسلم حصر[1] مذاهب درهمین چهار مذهب ثابت گردیده و هرکدام دارای پیروان وشاگردان زیاد میباشد که اقوال ایشانرا به طریق موثق حفظ ونقل و درکتب تدوین نموده اند .

پیروان این مذاهب یکدیگررا طعن نگفته بگمراهی وفسق نسبت نه میدهند . اتباع هرمذهب امام خودرا متابعت می کنند . زیراکه برهر شخص متابعت[2] مذهب امام خودش لازم است .

---

(۱) نورالانوار ص ۲۲۳ مبحث الاجماع .

(۲) چنانچه در درالمختار ذکر است : وان الرجوع عن التقلید بعدالعمل باطل اتفاقاً - ج-اول ص ۵۵ و شاه ولی الله درانصاف مینویسد وکان هذا هوالواجب فی ذالک الزمان .

ناگفته نماند که در جهان اسلام عده زیادی از مسلمانان پیرو مذهب امام ابوحنیفه (رح) اند، زیراکه وی بر سه امام[1] دیگر فضیلت و قدامت دارد چنانچه ملا علی قاری در شرح فقه اکبر فرموده اند:

حاصل سخن[2] این است که تابعین بعد از صحابه (رض) بهترین این امت اند. چنانچه حضرت پیغمبر علیه الصلوة والسلام فرموده:

(بهترین اهل زمانه ها اهل زمانهٔ من است و بعد از آن کسانیکه به زمانه من نزدیک اند) پس عقیده می نمائیم که امام اعظم ابوحنیفه (رح) بهترین أئمه مجتهدین و کاملترین فقها در علوم دین است. و بعد از وی امام مالک (رح) که از اتباع تابعین است و بعد از وی امام شافعی (رح) که شاگرد امام مالک (رح) بلکه شاگرد امام محمد (رح) میباشد، و بعد از وی امام احمد بن حنبل (رح) میباشد که او مثل شاگرد امام شافعی (رح) است.

---

(۱) امام مالک (رح)، امام شافعی (رح) و امام احمد بن حنبل (رح).

(۲) شرح فقه اکبر ملا علی قاری ص ۱٤٦.

تمرین

۱ - آیت ذیل را ترجمه نموده در بارهٔ آن معلومات خود را بگوئید:

یَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ

۲ - نام های امامان و مجتهدین مشهور را بیان کنید .

۳ - در جهان اسلام کدام یکی از مذاهب پیروان زیاد دارد ؟

٤ - بهترین ائمهٔ مجتهدین و کاملترین فقها در علوم کیست ؟

اهداف نصاب تعلیمی مرکز تعلیمی افغانستان

هدف عمومی : توحید نمودن نصاب تعلیمی تمام تنظیم های جهادی و بوجود آوردن تعلیم و تربیه خاص و جامع اسلامی که ضد هر نوع باطل پرستی و بدعت ها بوده و همچنین استحکام بخش مفاهیم و قوانین کلی اسلامی در جامعه اسلامی افغانستان باشد.

هدف خصوصی : تدریس توحید و وحدانیت به سپاهیان اسلام و رهروان راه حقیقت است تا متمسک سنن و قوانین عالی و معقول شرع انور طوریکه و قایم گردند این نصاب متضمن آسایش و سواد اسلامی با در نظر داشت و جایب و شرایط جهادی، فلسفی، اقتصادی، فرهنگی، تخنیکی، مدنی و معیشتی بوده و در عین حال ممثل پیوند و اتصالات ناگسستنی با جهان اسلام و مبین فلسفه مقدس اسلام عزیز می باشد.

هدف نهائی : اعلای کلمة الله، نشان دادن عظمت و شان اسلام به جهانیان اضمحلال کمونیزم در افغانستان و جهان و مبارزه با طاغوطیان زمان بر اساس مبانی و اصول قوانین قرآن عظیم الشان شریعت غرای محمدی و فقه حنیف حنفی در راه حصول رضای خداوند (ج) می باشد.

((وَمِنَ اللهِ التَّوفِيقُ))

سال طبع حمل ۱۳۶۹ تعداد طبع (۱۰۰۰۰)
مدیریت نصاب مرکز تعلیمی